

مشروطه

انقلاب نبود

داود مهدوی‌زادگان: اگر غایت مشروطه‌خواهی را مدرن سازی ساخت جامعه و سیاست بدانیم؛ باید مشروطیت را رویداد طبیعی دگرگون خواهی تلقی کرد. جامعه ایرانی مانند دیگر جوامع، خواسته یا ناخواسته، گریزی از تجربه مدرنیته نداشت. از این رو گرچه مشروطیت یک‌نهضت تحول خواه بود، ولی انقلاب نبود؛ زیرا در تحقق آن به چیزی فراتر از ضرورت طبیعی نیاز نبود.



امیر فرشاد
دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه

دکارت در عصری می‌زیست که روش ریاضی و هندسی در تحقیقات دانشمندان، بار دیگر احیا شده و از اعتبار بسیار قابل توجهی برخوردار شده بود. درحقیقت این پدیده یکی از تحولاتی بود که در دوره نوزایی فرهنگی غرب (رنسانس) توسط اندیشمندانی همچون مارسیلیو فیچینو، نیکولاس کوزانوس، برونو، گالیله و... رقم زده شد که با اقتدا به آموزه های افلاطونی و بعضاً نوافلاطونی و استفاده از امکانات درونی آن، هم سعی در بازگشت به قرون شکوه مند ظهور تمدن باستانی خود داشتند و هم در صدد برقراری آشتی میان ایمان مسیحی با یک‌سووفلسفه دوره باستان از سوی دیگر بودند. این رانیز باید افراد اصالت عقلی که در آن دوره در قالب توجه به روش ریاضی ظهور کرده بود، پس از اکتشافات علمی کوپرنیک، کپلر و... در حوزه علوم طبیعی، این ارزش و اعتبار را به دست آورد. همچنین در این دوره فیلسوفان و دانشمندان در کنار دغدغه های علمی و معرفتی، دغدغه های اجتماعی و رفاهی هم داشتند، چنان چه دکارت را هم نمی توان و نباید از این حیث مستثنی دانست.

به بیان دیگر «با تجدید حیات فرهنگی غرب، عملا نوع دیگری از اصالت عقل رایج و متداول شد که براساس بررسی و مطالعه امور طبیعی حاصل می آمد. توجه به طبیعت و شناخت آن خاصه «کاربرد ریاضی در تجربه» به تعبیه اسباب و لوازمی منجر می شد که در اثر دخل و تصرف حساب شده در مواد به وجود می آمد و در نزد انسان که بیش از پیش فنی و صنعتی فکر می کرد، امکان تسلط بر طبیعت را فراهم می آورد.» (مجتهدی: ۱۳۹۲: ۱۳۱ و ۱۳۲)

معرفت مقدم بر تجربه، در فلسفه دکارت

صحبت کردن از «عرفت مقدم بر تجربه» و اقسام و کارکردهای آنها در فلسفه دکارت، کاری دشوار است. صعوبت و عمق این مبحث، گستره و عمق ونبوغ و تفکر دکارت، عدم تنظیم و تعیین ملاک ها و ضوابط تشخیص و تعریف این معارف در دوره دکارت و نیز اصلاحات و تجدیدنظرهایی که وی در این موضوع در آثار مختلفش لحاظ کرده، کار را برای پژوهشگر این عصر و عرصه، قدری با مشکل روبه رو می کند.

میان متعلقات علم حصولی، آن عصری که از نظر دکارت اصالت دارد، نظام تصورات است نه تصدیقات؛ زیرا او اذعان، حکم یا تصدیق را «عمل اراده» می داند نه فاعله. وی تصورات را به سه قسم تقسیم می کند: «نخست فطری یا یعنی صوری که همراه فکرند یا تحولات (حالات) فکر یا قاعده تعقل هستند. دوم مجعولات یعنی صوری که قوه متخیله در ذهن می سازد. سوم خارجیات یعنی آنچه به وسیله حواس پنج گانه از خارج وارد ذهن می شود.» (فروغی: ۱۳۶۶: ۱۵۱)

آنچه در فلسفه دکارت می توان از آن به عنوان معرفت ماتقدم یاد کرد، قسم اول یعنی فطریات یا مفاهیم فطری یا عقلی است. این تصورات از واقعیت ذهنی بیشتری نسبت به دو قسم دیگر برخوردارند، همچنین از نظر دکارت به دلیل وضوح و تمایز ذاتی آنها، صرف تصور این مفاهیم مستلزم تصدیق آنها است. مفاهیمی همچون خدا، نفس و امتداد و سایر مفاهیم ریاضی و حتی سه اعتباری به زعم خود دکارت که در نامه اش به بورمان به آن اشاره می کند، تمام تصورات به نحو بالقوه فطری هستند. این مفاهیم تکوینا و توجیها مقدم بر تجربه و پیشینی اند؛ یعنی نه از حیث تکوین و نه از حیث تبیین، مأخوذ از تجربه نیستند و برای درک و ارزیابی صدق و کذب آنها نیازی به رجوع به تجربه بیرونی نیست و این فاعله است که متکفل شناخت و توجیه آنهاست.

بزرگداشت احمد فردید

در انجمن حکمت و فلسفه

دومین جلسه از سلسله نشست های یادبود استادان تاثیرگذار در اعتلای علمی_ پژوهشی موسسه، به اهتمام موسسه پژوهشی و انجمن حکمت و فلسفه ایران با همکاری بنیاد حکمی و فلسفی دکتر فردید، برگزار می شود. این جلسه که اختصاص به یادبود و بحث راجع به افکار و مباحث متفکر فقید دکتر سیداحمد فردید دارد، با حضور استادان، رضا داوری اردکانی، غلامرضا عوانی، پرویز ضیاءشهبائی، محمدرجبی، محمدرضا ریخته گران، بیژن عبدالکریمی، سیدموسی دبیباج، بهروز فرنور و ضا سلیمان حشمت برگزار خواهد شد. دبیری علمی این همایش را دکتر رضا سلیمان حشمت، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) به عهده دارند. برنامه کامل سخنرانی ها متعاقبا اعلام خواهد شد و شرکت برای عموم با ارائه کارت شناسایی معتبر آزاد است. نشست یادبود «سیداحمد فردید»، یکشنبه ۲۸ بهمن از ساعت ۱۴ تا ۱۸ در سالن سخنرانی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار می شود.

آل احمد و شریعتی

مهجور مانده اند

ابراهیم فیاض: ما امروز در علوم اجتماعی ایران با دو نحله روبه ر هستیم؛ یکی به شدت مهجور و توسط خود علوم اجتماعی خوانده به حاشیه رانده شده و نحله مقابل به شدت قوی و پررور شده که حتی این حوزه را به سمت انحطاط کشانده است. نحله ای که توسط این گروه دوم مهجور شده، نحله اندیشیه های جلال آل احمد و شریعتی است. درمقابل اینها غلامحسین صدیقی و احسان نراقی را داشتیم که شاهنشاهی بودند و انحطاط علوم اجتماعی را عملا شکل می دهند. متأسفانه پس از انقلاب هم در همان ابتدای کار مدتی با تندروی های راست گرایانه طیف فرهنگستان علوم قم، روبه رو شدیم که باعث شد آن گفتمانی از علوم اجتماعی حذف شود که همسوا رویکرد شریعتی و جلال بود. در ابتدای انقلاب آنها را حذف کردیم و خوب چه کسانی به جایشان بالا آمدند؟ همان نسل منحت صدیقی و ادامه احسان نراقی .

نگاهی به براهین اثبات خدا در فلسفه دکارت، به مناسبت سیصدوشصت ونهمین سالگرد درگذشت او

فریکار نیستم؛ پس هستم!



تقریری دیگری در کتاب «اصول»

دیگری است؟ پس می بینم اگر هستی من مستقل بود یعنی خود باعث وجود خویش می بودم، همه کمالات را به خود می دادم و شک و خواهش در من نمی بود و خدا می بودم. اما من که عوارض را نمی توانم به خود بدهم، چگونه هستی به خود بخشیده ام؟ به علاوه اگر من توانایی داشته ام که به خود هستی بدهم البته باید دوام هستی من بسته به وجود دیگری است و آن دیگری یقینا خداست؛ یعنی وجود کامل واجب قائم به ذات است و چون قائم به ذات است، البته جمیع کمالات را بالفعل دارد نه بالقوه، زیرا که کمال بالقوه عین نقص است و حاجت به توضیح نیست که انتساب وجود من به پدر و مادر هم مساله را حل نمی کند زیرا که آنچه را می توان به پدر و مادر نسبت داد، تن است حال آنکه ما گفت وگو از روان می کنیم، و اگر بحث کنند که شاید من معلول علت های چندهستم که جمعا کالند، گویم: یکی از کمالات که تصور آن را در ذات باری دارم، یگانگی و جامعیت اوست و اگر چنین وجودی نبود من این تصور را نداشتم.» (فروغی: پیشین: ۱۵۳ و ۱۵۴) این طور ادامه می دهد: تنها چیزی که باقی می ماند این است که تحقیق کنم و ببینم این مفهوم را چگونه از خدا به دست آورده ام؛ چرا که آن را از طریق حواس نگرفته ام و هرگز مانند مفاهیم اشیای محسوس -آنگاه که این اشیاء در معرض حواس ظاهر من قرار می گیرند- چنین نشان می دهند که قرار گرفته اند- بر خلاف انتظار من بر من عرضه نمی شود. همچنین مصنوع ذهن من هم نیست زیرا در توان من نیست که چیزی را از آن بکاهم یا چیزی بر آن بیفزایم، پس تنها شق باقی مانده این است که همان طور که مفهوم خود من در من فطری است، این مفهوم هم در من فطری است. قطعاً نباید تعجب کرد خداوند، به هنگام آفرینش من، این مفهوم را در من نهاده باشد تا همچون نشانه ای باشد که صنعتگر بر صنعت خویش می زند. همچنین لازم نیست این نشانه، چیزی

برهان «علامت تجاری»
ایسن برهان را فروغی در مسیر حکمت به این نحو بیان می کند: «... فکر می کنم که آیا هستی من مستقل است یا طفیل هستی

فقه

به کمک فلسفه آمد

حمید پارسانیا: فقه شیعی بدون مرجعیت بخشی فلسفه به نقل و... نمی توانست وجود داشته باشد. در ایران بعد از انقلاب اسلامی و پس از غلبه علم جهانی، این فقه بود که به کمک فلسفه آمده و به وسیله ارتباطی که با حوزه فرهنگ داشت، توانست با هم به ریختن اقتداری که در حاشیه اقتدار جهانی بود، فرصتی برای به میان آوردن جریان های فلسفی در حال افول فراهم آورد.



غیر از خود صنعت باشد، زیرا تنها از اینکه خداوند مرا آفریده کاملاً قابل قبول است که به وجهی مرا به صورت و مثال خویش آفریده باشد و من این مماثلت را با همان قوه ای ادراک می کنم که خودم را با آن ادراک می نمایم، یعنی وقتی درباره خودم می اندیشم، نه تنها خود را موجودی ناتمام و قائم به غیر می بینم که پیوسته به چیزی بهتر و بزرگ تر از خود اشتیاق دارد، بلکه این را هم می دانم کسی که من به او قیام دارم همه این اوصاف عظیمی را که من به آنها مشتاقم در خویش دارد، آن هم نه به صورت نامتنعین یا فقط بالقوه، بلکه به صورتی واقعی، بالفعل و نامتناهی و به این ترتیب علم حاصل می کنم که او خداست.» (دکارت: ۱۳۹۲: ۷۰ و ۷۱)

برهان وجودی

ایسن برهان در تأمل پنجم در کتاب تأملات اقامه و تقریر شده است؛ دکارت در این تأمل، «ادعا کرده است دقیقاً همان طور که تصور مثلث بالضرورة متضمن خواص مشخص آن از جمله تساوی مجموع زوایای داخلی آن با دو قائمه است، همچنین تصور موجود کامل مطلق، بالضرورة متضمن صفت وجود است. تناقض تصور موجود کامل بدون وجود، کمتر از تناقض تصور مثلث بدون سه زاویه نیست. تقریر دکارت مبتنی بر دو صل است: ۱. وجود، کمالی از کمالات است؛ ۲. تصور و مفهوم خدا بدون وجود تناقض است.» (محمدرضایی: ۱۳۹۰: ۲۶۶) دکارت سپس از تقریر این برهان که همان برهان وجودی معروف است، تأکید می کند وجود خدا بدیهی ترین بدیهیات است و آن را اساس همه شناخت ها دانسته و می گوید: «بدین ترتیب با وضوح تمام در می یابم که قطعیت و صحت هر علمی، تنها به شناخت خدای حقیقی بستگی دارد، به طوری که تا او را نشناخته باشم، نمی توانم نسبت به هیچ چیز دیگری معرفت کامل پیدا کنم و اکنون که او را شناختم ام وسیله ای در دست دارم تا نسبت به اشیای بی شماری معرفت کامل تحصیل کنم. این معرفت نه تنها امور مربوط به خداوند بلکه امور مربوط به طبیعت جسمانی را نیز، از آن حیث که موضوع براهین هندسه دان هاست که با وجودش کار ندارند، شامل می شود.» (همتی: ۱۳۸۶: ۱۰۷)

همان گونه که در این برهان و براهین پیشین خاصه در برهان علامت تجاری بیان شد، مفهوم خدا نه تنها از واقعیت ذهنی بیشتری نسبت به سایر مفاهیم برخوردار است، بلکه از حیث واقعیت صوری هم دارای جنبه فاعلی و ایجاد ی است و نیز تکیه گاهی برای صدق معلومات است. در نتیجه و به لسان حکمای اسلامی، خدا را در فلسفه دکارت هم می توان علت محدثه و مبقیه موجودات و هم جاعل ذات آنها دانست.

منابع:

- اسپینوزا، باروخ. (۱۳۹۰). شرح اصول فلسفه دکارت و تفکرات مابعدالطبیعی. ترجمه محسن جهانگیری. سمت. تهران.
- دکارت، رنه. (۱۳۹۰). اصول. فلسفه. ترجمه منوچهر صانعی دره یبیدی. الهدی. تهران.
- همو. (۱۳۹۲). تأملات در فلسفه اولی. ترجمه احمد احمدی. سمت. تهران.
- شهرآیینی، سیدمصطفی. (۱۳۸۹). تأملاتی در باب تأملات دکارت. ققنوس. تهران.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۶۶) سیر حکمت در اروپا. زوار. تهران.
- مجتهدی، کریم. (۱۳۹۲). دکارت و فلسفه او. امیر کبیر. تهران.
- محمدرضایی، محمد. (۱۳۹۰). کلام جدید با رویکرد تطبیقی. معارف. قم.
- همتی، همایون. (۱۳۸۶). خدا در فلسفه دکارت و صدرالدین شیرازی. سوره مهر. تهران.

برگ سبز خودرو کامیون جاروب ایسوزو مدل ۹۰ به رنگ سفید به شماره موتور ۸۷۱۸۱۴ و به شماره شاسی ۹۰ NAG۰۹۰ NPRE۲۷۷۹۸ و به شماره پلاک ۱۴-۲۶۱ ۸۴ به نام شرکت راهیان توسعه بلوط بلند مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

♦♦♦

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب رقیه عبدی کلخوران فرزند پرویز به شماره شناسنامه ۶۹۹۸ صادره از اردبیل در مقطع کارشناسی پیوسته رشته مهندسی کنشاورزی – باغبانی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱/۱۰۷۱۹۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

♦♦♦

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب پنهوش اسلامی فرزند علی به شماره

ملی ۰۰۷۷۸۸۶۴۹۸ صادره از تهران در مقطع کارشناسی پیوسته رشته راهنمایی و مشاوره صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۱/۲۱۳۸۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

♦♦♦

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب آسیه اسفندیاری مهنی فرزند محمود به شماره شناسنامه ۴۰۵ صادره از جیرفت در مقطع کاردانی رشته تکنولوژی تولیدات گیاهی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد جیرفت مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به نشانی جیرفت، خیابان دانشجو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت ارسال نماید.

♦♦♦

آگهی مزایده

مزایده گذار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک
شرایط متقاضیان: کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد صلاحیت قانونی **موضوع مزایده:** فروش ضایعات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک **مبلغ خرید اسناد مزایده:** ۲۰۰/۰۰۰ ریال و ریز به شماره ۰۰۰۷۷۴۷۳۹۰۰ بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی اراک. **مبلغ تضمین شرکت در مزایده:** ۵ درصد مبلغ کل برآوردی مشروط بر اینکه از مبلغ ۱۰ میلیون ریال کمتر نباشد **نوع تضمین:** نقدی یا ضمانتنامه بانکی معتبر با مدت زمان سه ماه. **محل دریافت اسناد:** وبسایت دانشگاه آزاد اسلامی اراک به آدرس: (www.iau-arak.ac.ir) **محل تحویل اسناد:** اراک. میدان امام خمینی (ره). بلوار امام خمینی (ره). شهرک دانشگاهی امیرکبیر. دانشگاه آزاد اسلامی اراک. دفتر حراست دانشگاه **مهلت فروش و تحویل اسناد:** از تاریخ ۱۶/۱۱/۹۷ لغایت ۹۷/۱۱/۱۳ به مدت ۱۰ روز کاری **جهت کسب اطلاعات بیشتر می** توانید با شماره تلفن ۰۸۶-۳۳۴۱۲۱۴۱ اداره نقلیه و ترابری و شماره ۰۸۶-۳۳۴۱۲۱۴۶ اداره تدارکات دانشگاه تماس حاصل فرمایید. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادهای دارای اختیار نام می باشد و هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مزایده می باشد.

روابط عمومی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

سازمان آگهی های روزنامه

فرهنگ‌یگان

Advertisement's Organization

تلفن: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۶-۶۶۳۴۸۰۱۸
فکس: ۰۲۱) ۶۶۳۴۸۰۱۷

ایمیل: a66348018@gmail.com

